



## برگی از کتاب Good to Great نوشته جیم کالینز

[ltrbox]

.Finding a "Hedgehog concept" provides a clear path to follow

[ltrbox/]

یافتن «مفهوم جوجه تیغی» مسیری شفاف برای دنبال کردن فراهم می‌کند.

[ltrbox]

Imagine a cunning fox hunting a hedgehog, coming up with a plethora of tactics and surprise attacks each day to devour the tasty critter. The hedgehog's response is always the same: curl up in a spiky, unbreachable ball. Its adherence to this simple strategy is the reason .the hedgehog prevails day after day

[/trbox/]

روباہ مکاری را تصور کنید کہ قصد شکار یک جوجه تیغی را دارد و ہر روز با کلی تاکتیک و حملہ های غافلگیرکنندہ برای خوردن این موجود خوشمزہ سراغ او می رود. واکنش جوجه تیغی ہمیشہ یک چیز است: گرد شدن بہ شکل یک توپ تیغ تیغی و غیرقابل نفوذ. پیروی جوجه تیغی از این استراتژی سادہ باعث می شود کہ ہمیشہ پیروز شود.

[tablebox]

Hedgehog: جوجه تیغی

Concept: تدبیر، مفہوم، راہ کار

Provide: مہیا کردن، فراہم کردن

Response: پاسخ، واکنش

[/tablebox/]

[/trbox]

Good-to-great companies all found their own simple *Hedgehog* :*concept* by asking themselves three key questions

?What can we be the *best in the world* at

?What can we be *passionate* about

?What is the *key economic indicator* we should concentrate on

[/trbox/]

شرکت‌هایی که از خوب به سمت عالی حرکت کرده‌اند، همگی **مفهوم** ساده **جوجه تیغی** را با پرسیدن این سه سوال کلیدی از خود پیدا کرده‌اند.

در چه چیزی می‌توانیم بهترین دنیا باشیم؟

به چه چیزی با تمام وجود علاقه داریم؟

شاخص اقتصادی اصلی که باید بر آن تمرکز کنیم چیست؟

[Itrbox]

At the intersection of the questions, after an average of four years of debate, good-to-great companies eventually discovered their own Hedgehog concept. After that point, every decision in the company was made in line with it, and success followed

[Itrbox/]

شرکت‌هایی که از خوب به عالی رسیدند به‌طور متوسط پس از چهار سال بحث و مناظره، در فصل مشترک این سوالات، سرانجام مفهوم جوجه تیغی خود را کشف کردند. از اینجا به بعد، همه تصمیم‌های شرکت در همین راستا گرفته می‌شد و موفقیت پس از آن آمد.

[tablebox]

Indicator: شاخص، نمایشگر، نشانگر

Intersection: تقاطع، چهارراه، فصل مشترک

Debate: بحث، مناظره

Eventually: سرانجام، بالاخره



[tablebox/]

['lbg\_audioV\_html& settings\_id='۴]